

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: YQ27549 ISSN-P: 2717-1132

تحلیل جزایی ارکان و شرایط سن مسئولیت کیفری

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۵/۱۲)

مریم گنجی

چکیده

از جمله موضوعاتی که در رابطه با اطفال بزهکار مطرح می شود، ارکان و شرایط سن مسئولیت کیفری است. یعنی از چه سنی می توان فرد را دارای آن حد از توانایی ذهنی و ادراکی دانست که بتوان جرم ارتكابی توسط وی را به او منتسب و نتایج آن را متوجه وی کرد. تصمیم گیری در این مورد، از جمله موضوعات بحث انگیز در بسیاری از نظام های کیفری دنیا است و اختلاف نظرهای فراوانی در مورد آن وجود دارد. از جمله دلایل صحت این ادعا آن است که در هیچ یک از اسناد بین المللی، حداقل سن مسئولیت کیفری تعیین نشده است. هنگامی که قانونگذار، سنی را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری مشخص می کند، به طور ضمنی این پیام را منتقل می کند که از دید وی، کودک در این سن به آن حد از بلوغ عاطفی، روانی و ذهنی رسیده است که بتواند مسئول رفتارهای خود پنداشته شود. به این ترتیب روشن است که تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری باید با در نظر گرفتن واقعیت های رشد ذهنی و روانی کودکان انجام شود. در واقع اقدام برای تعیین سنی مناسب برای مسئولیت کیفری، تکاپویی است برای رسیدن به پاسخ صحیح در این مورد که کودک در چه سنی طبیعت عملی که انجام داده است را به طور کامل درک می کند و در نتیجه این قابلیت را دارد که مسئولیت ناشی از آن را بپذیرد.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، سن رشد، اهلیت، مسئولیت مدنی، ارتكاب جرم،

تادیب

بخش اول: تعریف مسئولیت کیفری

(مسئولیت در لغت به معنای مورد سؤال و بازخواست قرار گرفتن است و مسئولیت کیفری به معنای سؤال از مجرم برای ارتکاب جرم است و در اصطلاح حقوقی به معنای ملزم شدن مجرم به تحمل نتایج قانونی است که بر ارتکاب جرم، مترتب می‌باشد و منظور از نتایج، همان مجازات و اقدامات تأمینی می‌باشد).^۱ یکی از حقوقدانان، مسئولیت کیفری را این گونه تعریف می‌کند: انتساب فعل یا ترک فعل مجرمانه به شخص یا اشخاص که با انجام بزه به قوانین جزایی خواه به عنوان مباشرین و خواه با عنوان شرکاء و معاونین به عمد و خطا تجاوز کرده‌اند و توان تحمل بار مجازات و یا احتمالا اقدامات تأمینی و تربیتی را در قبال فعل و یا ترک فعل خود دارند).^۲ یکی دیگر از حقوقدانان، مسئولیت را این گونه تعریف می‌کنند: (تعهد قانونی شخص، بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است؛ خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود می‌باشد یا ناشی از

فعالیت او باشد).^۳ به نظر نگارنده، این گونه باید مسئولیت کیفری را تعریف کرد: « قابلیت انتساب فعل یا ترک فعل مجرمانه به شخص یا اشخاصی که با انجام جرم، برابر شرایط قانون، واجد مجازات مقرر باشند. »

بند اول: تعریف اهلیت کیفری و اهلیت جنایی

اهلیت کیفری را می‌توان (وضعیتی روانی دانست که فرد با گذر از توانایی قصد مجرمانه، به درجه ای از تکامل عقلانی می‌رسد که می‌تواند ارزش اجتماعی عملش را بفهمد و بدین ترتیب با قدم گذاشتن به مرحله تمیز، اهلیت مجازات را پیدا کند. از این رو اهلیت کیفری در تناسب با مسئولیت کیفری قابل شناسایی است. اهلیت جنایی، نمایانگر وضعیتی است که فرد علاوه بر عنصر مادی، عنصر روانی جرم را نیز داشته باشد و بدین ترتیب واقعیت بیرونی جرم که متکی بر دو عنصر یاد شده است، به طور کامل از جانب او محقق شود. اهلیت جنایی، مرتبه ای از رشد عقلانی است که فرد قادر به تشخیص ماهیت

^۱. زراعت، عباس، ۱۳۸۵، حقوق جزای عمومی، جلد اول

، ص ۲۲۱

^۲. نوربها، رضا، ۱۳۷۸، زمینه حقوق جزای عمومی،

ص ۲۱۰

^۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۵۶، ترمینولوژی

حقوقی، ص ۶۲۴

مسئول اعمال خود نیست. به همین جهت تعریف و تعیین حد و مرز مسئولیت کیفری از اهمیت ویژه ای برای رشد کیفری برخوردار است. همچنین باید توجه داشت هر فعل یا افعالی برای این که واجد صفت مسئولیت قرار بگیرد باید سه شرط رادارا باشد.

۱- مرتکب به حد بلوغ ورشد رسیده باشد.

۲- مرتکب جرم، عاقل باشد.

۳- مرتکب جرم، قاصد باشد.

البته در مورد مسئولیت کیفری در قانون مجازات ۷۰، رشد مرتکب شرط نشده است.

(یکی از حقوق دانان عرب، ادراک مرتکب را، جزء شروط مسئولیت کیفری می‌داند. ایشان می‌نویسد: مسئولیت کیفری در شریعت بر سه عنصر استوار است:

۱- انسان فعل ممنوعی را انجام داده باشد.

۲- فاعل مختار باشد.

۳- فاعل مدرک باشد.

وی در ادامه می‌افزاید: هنگامی که این سه رکن محقق شود، مسئولیت کیفری وجود خواهد داشت و هنگامی که یکی از

افعال خود و نتیجه طبیعی آنها باشد.)^۱ اهلیت کیفری، وضعیت خاصی است که هر گاه در شخص فراهم شود، می‌توان او را مجازات کرد. این حالت با ارکان جرم تفاوت دارد زیرا مربوط به جرم نیست بلکه مربوط به مرتکب جرم می‌باشد. (اهلیت کیفری جنبه بالقوه مسئولیت کیفری است و تحمل مجازات، جنبه بالفعل آن است اما اهلیت جنایی به معنای اهمیت ارتکاب جرم و تحقیق آن است یعنی شرایطی که باید در شخص وجود داشته باشد؛ تا بتوان او را مرتکب جرم دانست.)^۲ اهلیت جنائی مرتبه ای از رشد عقلانی است که فرد قادر به تشخیص ماهیت و آثار افعال خود باشد.

بخش دوم: ارکان و شروط

مسئولیت کیفری

ارکان مسئولیت کیفری عبارتند از: اهلیت کیفری و تقصیر. اهلیت کیفری از دو عنصر ادراک و اختیار تشکیل شده است. ادراک در حقوق جزا به معنای قدرت و توانایی بر درک و تمیز ماهیت افعال، به کار رفته است. به دیگر سخن، اگر مجرم دارای ادراک و اختیار نباشد،

۱. محمدی، قاسم، ۱۳۸۳، «رشد عقلانی و حقوق جنایی

»، ص ۲۴۳

۲. زراعت، عباس، همان، ص ۲۳۱

آنها معدوم باشد، فرد واجد مسئولیت کیفری نخواهد بود.^۱

بخش سوم: تفاوت مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی

یکی از حقوقدانان در تعریف مسئولیت مدنی، اینگونه می نویسد: «مجموعه قواعدی است که وارد کننده زیان را به جبران خسارت زیان دیده ملزم می سازد»^۲. بعد از تعریف مسئولیت کیفری، لازم است؛ پیرامون مسئولیت مدنی توضیحی داده شود. این دو نوع مسئولیت گاهی با یکدیگر در ارتباطند. بین این دو نوع مسئولیت از جهت اهداف، عنصر قانونی، و کیفیت مسئولیت، اختلاف هایی وجود دارد که در ذیل به بررسی آن می پردازیم.

بند الف- اختلاف از جهت هدف و عکس العمل در برابر مسئولیت هدف اصلی در مسئولیت کیفری، اجرای عدالت و مجازات و اصلاح مجرمان است ولی هدف اصلی در مسئولیت مدنی، جبران زیان های مادی و معنوی متضرر از فعل است.

بند ب- اختلاف از جهت کیفیت مسئولیت ها

در مسئولیت کیفری اقدامات فقط علیه شخص مرتکب اجرا می شود ولی در مسئولیت مدنی غرض اصلی در مسئولیت، مبنی بر جبران خسارت وارده به افراد است. مسئولیت مدنی از اعمال دیگران، مورد قبول قانون گذار قرار گرفته است.

بند ج- اختلاف از جهت عنصر قانونی (در مسئولیت کیفری هر جرم بایستی به طور صریح و منجز در قانون پیش بینی شده باشد ولی در مسئولیت مدنی تجویز و صراحت فعل مرتکب در قانون ضروری نیست).^۳ شایان ذکر است؛ پاره ای از جرایم (مانند جاسوسی) با این که مجازات سنگین دارند ولی چون برای اشخاص ایجاد خسارت نمی کنند، واجد مسئولیت مدنی نیستند. هر جبران خسارتی که واجد مسئولیت مدنی است؛ حتماً مسئولیت کیفری ندارد.

بند د: اختلاف از جهت مجازات مجازات کیفری به شخصیت بزه کار، میزان و تکرار جرم وابسته است ولی در

^۱ . عوده، عبدافادر، ۱۳۷۳، التشریح الجنایی الاسلامی، ص

^۲ . کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۱، مسئولیت مدنی، ص ۳۴

^۳ . مسجد سرائی، حمید، ۱۳۷۶، حدود مسئولیت کیفری

پیش‌بینی شده بود. در ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، جرایم اطفال بر حسب سن آنها به ۳ گروه سنی تقسیم شده بود. گروه اول را اطفال غیر ممیز نابالغ که سن آنها کمتر از ۱۲ سال بود تشکیل می داد. این گروه از هر گونه مسئولیت کیفری مبرا بودند ولی مراجع مکلف بودند؛ طفل بزه کار را با اخذ التزام به تأدیب و مواظبت درحسن اخلاق تسلیم والدین نمایند. نتیجه این ماده آن بود که طفل زیر ۱۲ سال فاقد قوه تمیز و رشد است و دلیل علیه آن، کودک راواجد مسئولیت کیفری نمی کرد. گروه دوم را اطفال ممیز نابالغی که سن آنها بیشتر از ۱۲ سال و کمتر از ۱۵ سال بود، تشکیل می داد. به موجب ماده ۳۵ قانون مجازات عمومی، چنانچه اطفال ممیز نابالغی مرتکب جرمی از نوع جنحه یا جنایت می شدند و سن آنها کمتر از ۱۵ سال و بیشتر از ۱۲ سال بود، فقط به ۱۰ تا ۱۵ ضربه شلاق محکوم می شدند که در یک روز بیشتر از ۱۰ ضربه شلاق جایز نبود. این ماده، سن بلوغ را شرط مسئولیت کیفری نمی دانست؛ بلکه داشتن قوه تمیز و تشخیص بود که طفل غیر ممیز نابالغ را به مجازات شلاق محکوم میکرد. گروه سوم شامل اطفالی می شد که سن

مسئولیت مدنی، مجازات به نوع تقصیر و میزان خسارت بستگی دارد.

بخش چهارم: تاریخچه سن مسئولیت کیفری صغیر در قانون جزای ایران

در نظام حقوق کیفری ایران، سن مسئولیت کیفری اطفال همواره با چالش های قابل تأمل همراه بوده است و سیر تاریخی قوانین، تحولات زیادی را قبل و بعد از انقلاب سپری کرده است. مطالعه سیر تاریخی، این امکان را برای پژوهش فراهم می کند تا به چرایی تصویب قانون در منظر تاریخ نگاهی بیندازیم و محاسن و معایب قانون را موردارزشیابی و ارزیابی قرار دهیم.

بنداول: قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴

در این بند، تاریخچه مسئولیت کیفری اطفال قبل از پیروزی انقلاب به طور مختصر بررسی می شود. بعد از نهضت مشروطیت و انتشار قانون اساسی، در سال ۱۳۰۳ قانون مجازات عمومی شامل ۲۸۰ ماده از تصویب مجلس گذشت. مسئولیت اطفال، در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ اقتباس از قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه بود. حدود مسئولیت کیفری اطفال بزه کار، بر اساس مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶

بند سوم: سن مسئولیت کیفری اطفال بعد از انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب، تغییرات اساسی در نظام حقوقی و قضایی ایران به عمل آمد. این تغییرات بر اساس متون فقهی اسلام تنظیم شده بود. تبصره ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاه های عمومی، مصوب ۱۳۵۸/۷/۱۰ مقرر می‌داشت: « به جرایم اطفال در دادگاه جزا به ترتیب مقرر در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه کار، رسیدگی خواهد شد». بدین ترتیب، این قانون، اجرای تشکیل دادگاه اطفال بزه کار را تأیید می‌کرد اما بعد از دو سال مقررات شکلی دادگاه اطفال نسخ شد. طبق ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری که در سال ۱۳۶۱ تصویب شد؛ دادگاه‌های کیفری به ۱ و ۲ تقسیم شدند. (بدین ترتیب، این قانون، مقررات شکلی قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار مصوب ۱۳۳۸ را نسخ نمود).^۲ رویه قضایی از تعمیم تبصره ماده ۱۲۱۰ ق. م به ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی ابهام داشت. لذا در این زمینه از شورای عالی قضایی استفسار شد: «آیا با توجه به صراحت ماده ۱۲۱۰ اصلاحی ق. م. و

آنها بیش از ۱۵ سال و کمتر از ۱۸ سال تمام بود. به موجب ماده ۳۶ قانون مذکور، اگر افراد فوق، مرتکب جنایت شوند مجازات آنها حبس در دارالتأدیب است که بیش از ۵ سال نخواهد بود. مجازات جرمی از درجه جنحه، کمتر از یک دوم حداقل و زیادتر از یک دوم حداکثر مجازات مرتکب همان جنحه نخواهد بود. تأسیس دارالتأدیب مشکلات زیادی را برای دولت وقت ایجاد کرد که قانون‌گذار در سال ۱۳۳۸، قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه کار را تصویب کرد.

بند دوم : سن مسئولیت کیفری اطفال در قانون اصلاحی مجازات عمومی

(قانون مجازات عمومی ۵۲، در حقیقت اصلاحیه‌ای بر قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ بود. بند ۲ ماده ۳۳ یکی از نکات بارز این قانون در مسئولیت کیفری اطفال بود که به علت اثربرداری از علوم روان-شناسی، سن بلوغ در آن، ۱۸ سال تمام فرض شده بود. در صدر ماده ۳۳ قانون فوق، تشکیل دادگاه اطفال بزه کار را، مأخذ اصلی رسیدگی به جرایم اطفال قرار داده بود).^۱

^۲. همان، ص ۱۰

^۱. همان، ص ۷

سبب عدم تمیز و درک تفکیک آنان برداشته شده است و کودکانی که بالغ نشده‌اند از مسئولیت کیفری مبرا هستند. برای این که جامعه از آثار جرایم کودکان مصون باشد، اگر کودک غیر بالغی جرمی انجام داد، بعضی از تدابیر تأمینی و مجازات ملایم برای کودکان در نظر گرفته شده است. این مجازات‌ها فقط جنبه اصلاحی و تربیتی خواهد داشت تا کودک خود را برای ورود به جامعه آماده کند.^۱

بند اول: ارتباط اهلیت با رشد

به موجب ماده ۲۱۱ قانون مدنی برای این که متعاملین، اهل محسوب شوند باید بالغ، عاقل و رشید باشند. این شرایط سه-گانه اهلیت را، در رشد می‌توان خلاصه کرد. رشید بی‌گمان بالغ و عاقل نیز هست و می‌توان گفت که هر رشیدی بالغ و عاقل است ولی هر بالغ و عاقل را نمی‌توان حکم به رشد آن داد. به دیگر سخن، رابطه اهلیت با رشد، خصوص و عموم من وجه است. از ظاهر تبصره ۲ ماده ۱۲۱ قانون مدنی چنین برمی‌آید که پیش از بلوغ نمی‌توان اموال صغیر را به او داد و اثبات رشد پس از بلوغ می‌تواند وسیله

تبصره ۱ ذیل آن سن مسئولیت کیفری و حقوقی و عبادی برای اناث همان ۹ سال قمری می‌باشد یا برای مسئولیت کیفری و حقوقی، اناث می‌بایست به سن بیشتری برسند؟ جواب: طبق تبصره یک ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی، منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ نرسیده باشد و طبق تبصره یک ماده ۱۲۱۰ اصلاحی ق. م. سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است. « بدین ترتیب، نظریه تفسیری این شورا سن مسئولیت کیفری دختران راهمان ۹ سال قمری و برای پسران ۱۵ سال قمری دانست و مقررات قانون مجازات عمومی در خصوص حقوق کیفری اطفال و قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار، حذف شد.

بخش پنجم: تحلیل جزایی تدابیر

تأمینی و مجازات ملایم برای کودکان یکی از عوارضی که بر مسئولیت کیفری اثر می‌گذارد، عوارض طبیعی است که انسان به خودی خود، در وجود آن عارضه نقش ندارد بلکه به سبب شرایطی واجد آن می‌شود. صغر یکی از عوارض طبیعی است. (در حدیث "رفع قلم" مجازاتی که برای بالغ وضع شده است؛ از کودکان، به

^۱ مرعشی، حسن، ۱۳۸۲، «بزه کاری اطفال در حقوق

رفع حجر قرار گیرد. این ماده از منظر فقه نیز تأیید می‌شود زیرا با این که آزمودن کودک نابالغ مانعی ندارد، رفع حجر از او دو شرط دارد که بایستی جمع شود و یکی از دو شرط بلوغ است. شرط رشد در تمام حالات، چهره در زندگی فرد دارد و مسبوق به اتمام سن خاصی نیست. به استناد ماده ۱۱۹۳ قانون مدنی، همین که طفل، کبیر و رشید شد از تحت ولایت خارج می‌شود و اگر بعداً سفیه یا مجنون شود قیمی برای او معین می‌کند. (این مورد از پیشینه فقهی وام گرفته شده است.)^۱ به نظر می‌رسد، باید مفهوم غیر رشید را اعم از سفیه گرفت. بدین معنی، (غیر رشید کسی است که بعد از بلوغ نیز شایستگی اداره اموال خود را ندارد اما سفیه به غیر رشیدی گفته می‌شود که تنها عقل معاش ندارد.)^۲

بخش ششم: ارتباط رشد مدنی و رشد کیفری

آیا می‌توان به رشد مدنی و رشد کیفری نسبت عموم و خصوص من وجه داد؟ اگر فرد در موردی، حرمت فعل انجام شده را

درک نکرده باشد و نتواند تحلیل دقیقی از فعل خود و حرمت آن داشته باشد، فاقد رشد کیفری است. در دنیای پیشرفته امروز، عموماً کودکان ارتباط مستقیمی با اطلاعات از طریق رسانه‌های جمعی و اینترنت دارند، به نظر می‌رسد هوش اجتماعی آنها از دوره‌های قبل بسیار بالاتر باشد و معانی بسیاری از مصادیق حرمت را زودتر و بهتر از کودکان هم تراز سنی خود در سال‌های گذشته بفهمند. شاید بتوان ادعا کرد که بعضی از کودکان، زودتر از بلوغ شرعی به رشد کیفری یا رشد مدنی رسیده باشند و یا در یکی از موارد برجسته و در دیگری هنوز به درک درستی نرسیده باشند. با این وصف، شاید نتوان در عصر کنونی نسبت مشخصی بین رشد کیفری و رشد مدنی پیدا کرد و هر کدام از این وضع حقوقی باید در جایگاه خودش بررسی شود.

بند اول: رشد کیفری در قانون مجازات پس از انقلاب و در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

بعد از پیروزی انقلاب، رشد کیفری از قوانین کیفری ایران حذف شد. قانون گذار، رسیدن به بلوغ جنسی را معادل مسئولیت کیفری مطلق قلمداد کرد. در قانون مجازات ۹۲، برای اولین بار مسئله

^۱. ولایه‌الحاکم و هی تختص لمن بلغ فاسدالعقل و لیس له و لی او فسد عقله و رایه بعد بلوغه و رشد، فاضل مقداد، ۱۳۹۱،

کنزالعرفان فی القرآن، ترجمه عباس زراعت، ص ۸۶

^۲. کاتوزیان، ناصر، همان، ص ۴۴

رشد کیفری وارد نظام حقوقی کشور شد. ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی ۹۲ مقرر می‌دارد: «مسئولیت کیفری تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ، مختار باشد». به عبارت دیگر، ماده فوق اشعار به این مورد دارد که افراد نابالغ، مبرا از مسئولیت کیفری خواهند بود. هر چند ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ به صراحت بیان نموده است:

بند دوم: مسئولیت نقصان یافته

در مواردی که مسئولیت مرتکب کامل نیست؛ قانون‌گذار ناگزیر است میزان مجازات را آن قدر تخفیف دهد که متناسب با آن مسئولیت باشد. قانون مجازات ۹۲ درباره مجازات‌های تعزیری اطفال کمتر از ۱۸ سال از نظریه «مسئولیت نقصان یافته» پیروی کرده است.

بند سوم: ارتباط رشد کیفری با کمال العقل

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مشمول افراد زیر ۱۸ سالی است که ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکرده اند و یادر رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد. در جمله آخر ماده مذکور، ازواژه های رشد و کمال عقل استفاده شده است که به واکاوی کمال العقل و ارتباط آن بارشدکیفری می پردازیم. شاید بتوان گفت این ماده به

رشد کیفری وارد نظام حقوقی کشور شد. ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی ۹۲ مقرر می‌دارد: «مسئولیت کیفری تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ، مختار باشد». به عبارت دیگر، ماده فوق اشعار به این مورد دارد که افراد نابالغ، مبرا از مسئولیت کیفری خواهند بود. هر چند ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ به صراحت بیان نموده است:

«افراد نابالغ دارای مسئولیت کیفری نیستند». تفاوت بارز قانون مجازات سابق باقانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در اشکالاتی بود که در مورد افراد نابالغ در قانون مجازات ۷۰ وجود داشت. درمورد اشکالات قانون مجازات اسلامی ۷۰ در باره افراد نابالغ در فصل دوم به طور مبسوط بحث شده است. این اشکال در قانون جدید مرتفع شده است ولی هنوز ایراداتی وجود دارد که در جای خود به آن خواهیم پرداخت. در قانون مجازت ۹۲ برای اطفال نابالغ بزه کار، فقط اقدامات تأمینی و تربیتی پیش بینی شده است. ماده ۱۴۸ در این مورد می‌گوید: «درمورد افراد نابالغ بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال خواهد شد». این مورد، یکی از موارد بارز مزیت قانون مجازات ۹۲ بعد از انقلاب است. نقطه قوت دیگر قانون مذکور، پذیرش رشد

(^۲ شیخ طوسی نیز در باب وجوب صوم، شخص «أبله» را فاقد تکلیف دانسته است. ایشان اعتقاد دارند: (شخص احمق، نمی تواند در اعداد مجنون به حساب آید. پس باید آن را در مراتب سفاقت قرار داد.)^۳ در موارد فوق، اصطلاح «کمال العقل» توسط برخی از فقها به معنای رشد فکری به عنوان یکی از علائم بلوغ در عرض سایر علائم به کار رفته است. از آنجاکه موارد مذکور، امور مالی نبودند؛ اطلاق آن به رشد کیفی قابل تامل است.

بخش هفتم: لذسی جزایی و کیفی مجازات کودکان بزهکار در قانون مجازات ۱۳۹۲

یکی از ایراداتی که همواره فعالان حقوق بشر و حقوق کودکان به قوانین ایران می گرفته اند، سن مسئولیت کیفری بود که در قانون جدید، تغییرات مهمی در این زمینه صورت گرفته است. سن مسئولیت کیفری اطفال را باید یکی از چالش های مهم در مباحث حقوقی مربوط به حقوق کودک طی دهه های

رشد کیفری مشهور است. نظر به این که نظام حقوقی ایران بر اساس فقه امامیه پایه گذاری شده است، معنا و مفهوم واژگان فوق را باید در متون فقهی جستجو کرد. در مواردی، فقهای امامیه از تعبیر «کمال العقل» استفاده کرده اند که مقصود آنان از این قید به عنوان شرط قصاص، اخراج صغیر و مجنون می باشد. مقصود از کمال العقل، بلوغ و عدم جنون می باشد. به زعم فقهای امامیه، کمال عقل ارتباط معناداری با مسأله رشد ندارد و نمی توان رشد کیفی را از معنای کمال العقل افاده کرد اما در بعضی از آثار فقهی قید «کمال عقل» به معنای اعم از بلوغ، عدم جنون و عدم سَفَه به کار رفته است. یعنی افراد سفیه و أبله در کنار مجنون و صغیر قرار گرفته اند که با توجه به تعبیرات آنان این معنی تقویت می شود که (سفاقت اگر چه به منزله جنون نیست ولی با توجه به قیاس منصوص العله، حداقل، در حکم جنون است. به دیگر سخن، مجنون، سفیه و ابله در عرض یکدیگر قرار می گیرند.)^۱ (شهید ثانی در باره شرایط شاهد در دعاوی، شخص «أبله» را منع از شهادت دانسته اند و او را از مصادیق بارز «سفیه» به شمار آورده اند. در حالی که شهادت در دعاوی لزوماً ارتباطی با مسائل مالی ندارد

^۲. الثانی کمال العقل فلا تقبل شهادة المجنون و کذا من يعرض له السهو غالباً... و کذا المغفل الذی فی جبلته البله فریما استغلط لعدم تفتنه و هووهم، همان ، ص ۲۴۲
^۳. و من شرط وجوبه کمال العقل و الطافه و البلوغ... و اما کمال العقل فانه شرط فی وجوبه علیه لأن من لیس کذلک لایکون مکلفاً من المجانین و البله ، همان

^۱. هاشمی ، سیدحسین، همان ، ص ۲۴۰

به این منظور در نظام های حقوقی که مفهوم سن مسئولیت کیفری را برای نوجوانان پذیرفته اند، شروع آن سن نباید در سطح بسیار پایین باشد و واقعیت های مربوط به بلوغ عاطفی، ذهنی و عقلی باید مدنظر قانونگذار قرار گیرد. باید توجه داشت که ماده یک معاهده حقوق کودک، سن طفل را به طور کلی بیان نموده است و در این زمینه بین وضعیت حقوقی و کیفری اطفال تفاوت قائل نشده است. برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب، سن مسئولیت کیفری اطفال زیر ۱۸ سال همراه با قوه تمیز افعال مرتکب فعل در جرایم موجب حدود و قصاص، در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۹۲، وارد حقوق کیفری ایران شد. شاید با تامل در مواد قانونی بتوان گفت مهم ترین تغییر در قانون جدید، فصل دهم تحت عنوان «مجازات ها و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» و به ویژه ماده ۹۱ آن در تعریف چگونگی صدور حکم مجازات قصاص و حد است. البته ورود مباحثی چون «نظام نیمه آزادی»، «آزادی مشروط»، «حبس زدایی»، «طبقه بندی مجازات های تعزیری» و «تعیین مجازات های مختلف به تناسب درجه آن»، از دیگر تغییرات قابل ملاحظه و مزیت

گذشته در ایران دانست. با توجه به حاکمیت قواعد شرعی بر قوانین و تبعیت قانونگذار ایرانی از نظریه مشهور فقهای شیعه در تدوین و تصویب قوانین، تعیین سن خاصی به عنوان سن بلوغ شرعی، مبنای شناسایی سن مسئولیت کیفری برای اطفال بزهکار شده است. از سوی دیگر پیوستن ایران به برخی کنوانسیون ها و میثاق های مختلف بین المللی (هرچند به طور مشروط) و لزوم عدم تعارض قوانین داخلی با مقررات مندرج در این کنوانسیون ها، مسائلی به وجود آورده است که قانون گذار ضروری دید در این مورد اصلاحاتی ایجاد نماید. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ به صورت مشروط به کنوانسیون حقوق کودک ملحق گردید و تحت عنوان «قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک» به تاریخ اول اسفند ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در معاهده حقوق کودک، سن طفل، زیر ۱۸ سال تعیین شده است اما تعیین سن مسئولیت کیفری منوط به حقوق داخلی کشورها شده است. البته پذیرش مشروط این کنوانسیون می تواند مبنی بر معیارهای مناسب ملی در نظر گرفته شود و منافع اطفال نیز لحاظ گردد.

نیز اصلاحاتی انجام داده است و طبق آن دست قاضی را برای تعویق یا تعلیق مجازات های تعزیری نوجوانان باز گذاشته است. این ماده قانونی بدین شرح است: «دادگاه می تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق نماید.»

بند اول: سن مسئولیت کیفری در حقوق انگلستان

تدریجی بودن فرآیند رشد کیفری از دیرباز در نظام کامن لا مورد توجه واقع شده است و بدین ترتیب اماره های دوگانه ای در این نظام بوجود آمدند. اولین اماره «فرض غیرقابل رد عدم رشد» است و مخصوص کودکانی است که در سنین عدم تمیز مطلق قرار دارند. دومین اماره «فرض قابل رد عدم رشد»^۱ است که در مورد کودکانی است که دارای تمیز نسبی هستند.

بند دوم: سن عدم مسئولیت کیفری حداقل سن مسئولیت کیفری در سیستم حقوقی "کامن لا" بویژه در انگلستان ۷ سال بود که بعد از دو بار

های این قانون است. در این قانون، در مورد کودکانی که مرتکب جرایم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتكاب ۹ تا ۱۵ سال شمسی است، دادگاه می تواند سرپرستی آنها را به اولیا یا سرپرست قانونی با گرفتن تعهد از آنها واگذار کند یا به پزشک و مددکار اجتماعی معرفی کند و یا این که آنها را در یک موسسه فرهنگی و آموزشی برای حرفه آموزی روانه کند. تحول مهمی که با تصویب این قانون روی داد؛ این است که اطفالی که بالغ شرعی هستند اما سن آنان کمتر از ۱۸ سال است چنانچه شبیه در کمال عقل و رشد آنها به وجود آید، حدود و قصاص برای آنها اجرا نمی شود. با توجه به شبیه، به استناد قاعده در، مجازات حدود و قصاص برای آنان اجرا نمی شود. بر اساس این قانون، مجازات های تعزیری برای افراد زیر ۱۸ سال با مجازات های تعزیری افراد بالای ۱۸ سال متفاوت است. کودکان زیر ۱۸ سال به زندان محکوم نمی شوند اما برای تربیت به مراکز تربیتی چون کانون اصلاح و تربیت، منتقل می شوند و چنانچه والدین صلاحیت نگهداری او را نداشته باشند، اینگونه اطفال، برای تربیت، به شخص حقیقی یا حقوقی صالحی، سپرده می شوند. قانونگذار در ماده ۹۳ این قانون

^۱. پاک نهاد، امیر، ۱۳۸۵، «رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزهکاری اطفال»، ص ۱۲۹

که به مواردی از آن در ذیل اشاره می شود. (درجرائم جنسی مانند تجاوزبه عنف، اگرپسری با سن کمتر از ۱۴ سال با دختری هم سن خودیا کمتر از آن، تجاوز کنداین اماره مورد قبول خواهدبودوپسرمسئولیت کیفری نخواهد داشت هرچند منجر به حمل دختر شود. این قاعده با مقررات مدنی در تعارض بود. به دلیل مشکلات مربوط به نسب، ممکن بود پسری که زیر چهارده سال سن داشت به عنوان پدر کودک شناخته شود. در پرونده G. M، آزمایش ها نشان می داد که کودک می دانسته است آنچه انجام می دهد « بسیارخطا » ست ومتجاوزاز شیطننت یا شرارت کودکانه است. هرچند کودک نسبت به ماهیت غیرقانونی و اخلاقی عمل خود، آگاه نبوده است. فرار طفل از محل وقوع جرم و ترس از پلیس برای زیر سوال بردن این اماره کافی بوده است. ^۳ در مورداعمال شیطننت آمیز کودکانه، طفل باید علم به این موضوع داشته باشد که عملش با واکنشهایی فراتر از یک تنبیه ساده از طرف والدین مواجه می شود. سوال اصلی این بود که آیا کودکی که ماشین پر قدرتی را می

اصلاح به ۸ سال ومتعاقب آن به ۱۰ سال تغییر یافت.

بند سوم: تطبیق با حقوق ایران

(درفقه شیعه، در مورد سن هشت سالگی به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری، روایاتی وجود دارد. این سن، به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری در نظام کیفری قبل از انقلاب، نیز پذیرفته شده بود. ^۱ کودکان در این سن به شرطی از مسئولیت کیفری برخوردار بودند که شاکی علاوه برووجود عنصر مادی ومعنوی جرم، علم کودک مرتکب به قبح عمل ارتكابی را اثبات کند. «طفل [بالای ده سال] و زیر چهارده سال از لحاظ قانون، ناتوان از ارتكاب جرم شناخته می شود مگر اینکه ثابت شود در زمان ارتكاب می دانسته عملش خطا است. ^۲ بزرگترین مشکل حقوقی انگلستان در اعمال این اماره، ابهام در به کارگیری آن بود. به عبارت دیگر، حدودوئثغور خطاوماهیت عمل مجرمانه برای قاضی مشخص نبودومشکلاتی را به همراه داشت

^۱. سلیمان بن حفص المرزوی: سألت أبا جعفر عليه السلام عن الصبي يسرق قال: إذا تم للغلام ثمانين سنين فجاز أمه وقد وجبت عليه الفرائض والحدود، مير محمد صادقي، حسين، بی تا، « طبقه بندی اطفال بزه کاردر نظام کیفری انگلستان»، ص ۱۵۴

^۲. پاک نهاد، امیر، همان، ص ۲۱۲

^۳. میر محمد صادقی، حسین، همان، ص ۱۵۷

سال، دارای مسئولیت کیفری است و می تواند در معرض مجازات های متنوعی قرار گیرد. « قانون جرم و بی نظمی » مصوب ۱۹۹۸ در ماده ۳۴ صراحتاً این اماره را کنار گذاشت. ^۱ مهمترین انتقاداتی که منجر به حذف اماره فوق شد به شرح ذیل است.

الف: رشد سریع تر کودکان در دوران فعلی

امروزه، کودکان نسبت به زمان شکل گیری اماره، سریع تر رشد می کنند. اطفال در سالهای آخر قرن بیستم، نسبت به همسالان خود در دویست سال پیش، بهتر آموزش می بینند. کودکان، امروز دسترسی آسان، بهتر و بیشتر به اطلاعات و فرایندها دارند. یک طفل چهارده ساله ی امروزی، به تلویزیون، تبلیات و اینترنت دسترسی دارد و نسبت به یک طفل ۱۴ ساله در سال ۱۷۶۹ در انگلستان، آگاهی بهتری از جهان دارد.

ب: حذف مجازات های خشن

در زمان تصویب این اماره، به دلیل وجود مجازات های اعدام و حبس ابد برای کودکان، قانون گذار مجبور به شیوه ی

دزد و با سرعت تمام برای فرار از دست پلیس به ماشین های دیگر صدمه می زند و پس از توقف، از ماشین فرار می کند، آیا نمی داند که افعالش خطا است؟ این سوالات از جانب حقوقدانان انگلیسی برای اعتراض به این اماره، پایه های آن را بسیار سست کرد. عاقبت با انتقادهای زیادی که از سوی جامعه حقوقی بر این اماره وارد شد؛ این اماره از نظام حقوقی انگلستان حذف گردید. اکنون برجسته ترین انتقادهای وارده بر این اماره، بررسی می شود.

بخش هشتم: انتقادات وارد بر اماره

قابل رد عدم رشد کیفری

در سالهای اخیر، اماره قابل رد عدم رشد در انگلستان، مورد انتقاد بسیار قرار گرفت اگرچه موافقان این اماره، با رد دلایل مخالفان بر ادامه وجود آن اصرار داشتند. (در سال ۱۹۹۷ آقای تونی بلر، نخست وزیر وقت انگلستان، که سخت به دنبال متحول کردن سنت ها و اصول قدیمی - مخصوصاً در ارتباط با سیستم عدالت کیفری - بود، به محض به قدرت رسیدن، در قانون «جرم و بی نظمی» مصوب ۱۹۹۸، این اماره را از بین برد. لذا در حال حاضر، طفل انگلیسی بیش از ده

^۱. گیلیان، دوگلاس، ۱۳۸۳، «حق کودک برخطا

کاری: مسئولیت کیفری و صغیر نابالغ»، ص ۱۹۱

سطح فرهنگی خانواده را در آن دخیل دانست. به نظر می رسد؛ انتقاد تبعیض آمیز بودن، بر این اماره وارد نباشد.

بند اول:مسئولیت کیفری مطلق(کودکان بین ۱۴ سال تا ۱۸ سال)

در قانون مجازات انگلستان، سن مسئولیت کیفری مطلق کودکان، بین ۱۴ تا ۱۸ سالگی است و مانند بزرگسالان تعریف شده است. برخورد با این مجرمان کوچک در مقایسه با مجرمان بزرگسال از انعطاف بیشتر و همراه با نظام اصلاح و تربیت همراه است.

بند دوم: سیستم جدید دادرسی کودکان در حقوق انگلستان

تغییر و تحولات سیاستگذاری در زمینه بزهکاری کودکان، منجر به تصویب دو قانون مهم «جرم و بی نظمی» مصوب ۱۹۹۸ و «قانون دادرسی اطفال و دلایل جزایی» مصوب ۱۹۹۹ شد که تغییرات گسترده‌ای در سازمان دادرسی کودکان ایجاد نمود. هدف اصلی سیستم دادرسی کودکان، پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان بود. به عبارت دیگر، امروزه اعتقاد بر آن است که قبل از این که طفل، خود را به عنوان یک بزهکار بشناسد؛

حمایتی از کودکان بوده است. امروزه با وجود مراکز تربیتی و اصلاحی برای کودکان و حذف اعدام و مجازات های خشن، ضرورت این اماره محسوس نیست.

ج: تبعیض آمیز بودن اماره قابل رد عدم رشد

ایراد دیگری که به این اماره وارد شد؛ تبعیض آمیز بودن آن بود. برخی اظهار داشتند: (وجود این اماره، باعث می شود؛ اطفالی که در خانواده های محترم رشد یافته اند؛ نسبت به خانواده هایی که از نظر اقتصادی و فرهنگی از موقعیت پایین تری برخوردارند، در موارد بیشتری، دادگاهها، آنان را نسبت به درک خطا بودن عمل خود، مسئول بشناسند. در نتیجه، این اماره بین این دو گروه از اطفال، تبعیض ایجاد می کند.)^۱ البته باید به این نکته توجه کرد که رشد کیفری، مفهومی کاملاً پیچیده است که شامل اجزای مختلفی چون علم به ماهیت رفتار، علم به آثار طبیعی عمل و درک آثار اجتماعی آن، می باشد و بستگی به عوامل مختلفی نظیر میزان رشد شناختی فرد، ضریب هوشی وی، میزان برخورد با مسائل اجتماعی و... دارد و نمی توان فقط

۱. همان

رفت و آمد شبانه، قرار حبس و آموزش،
قرار ترمیمی، قرار ویژه والدین.^۱

نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله، نتایج ذیل به دست می‌آید. این نتایج از زوایای گوناگون تامل برانگیز است:
۱- از نگاه پیازه، دامنه زمانی تحول شناختی از یک مرحله به مرحله دیگر به تناسب وضعیت درونی کودک و شرایط محیط خارج متفاوت است.

۲- مطالعات، نشان‌دهنده این امر است که سن آغاز بلوغ در دختران ایرانی مشابه به دختران نژاد سفید آمریکایی است و بلوغ زودرس در دختران ایرانی به زیر ۷ سال تغییر می‌کند.

۳- مهمترین عامل در تعیین سن بلوغ، وراثت است. شاخصه‌هایی چون محل جغرافیایی، تماس با نور، سلامت تغذیه، عوامل روانی، وزن (درصد چربی بدن)، قد و وضعیت اجتماعی نیز در شروع و میزان پیشرفت بلوغ تاثیر دارد.

۴- مفهوم "رشد و آشد" علاوه بر مفهوم عام، از مفهوم نسبی هم بهره می‌برد و به حسب زمان، مکان و شرایط خاص هر فرد، قابل انعطاف است و دارای مفهوم

جلوگیری از ریشه گرفتن عادات مجرمانه، عموماً موثرتر از رها ساختن طفل در محیط‌های جرم‌زا است. کودکانی که در سنین مورد بحث (۱۴-۱۰ سال) مرتکب جرم می‌شوند، ضروری است؛ پس از شناسایی جرم، واکنش مناسب علیه آنان صورت پذیرد. مجازات مناسب و مداخله موثر در این مرحله، از تبدیل این کودکان به مجرمان بالغ آینده جلوگیری می‌کند. نظام حقوقی نباید منتظر رسیدن طفل به سن مسوولیت کیفری و ورود به سیستم دادرسی کیفری باشد. فرار از مسوولیت به سود اطفال و سیستم عدالت کیفری نیست. در راستای این هدف، قرارهای کیفری و غیر کیفری وضع شده است. این قرارها را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول، اعمال و اجرای برخی از این قرارهاست که منوط به حصول مسوولیت کیفری نیست و علاوه بر اطفال، ممکن است الزاماتی برای والدین آنها ایجاد نماید. اعمال قرارهای گروه دوم، مشروط به رسیدن به سن مسوولیت کیفری است. (این قرارها، شامل اقدامات ترمیمی برای جبران خسارات بزه‌دیدگان، اقدامات تربیتی - اصلاحی و برنامه‌های خاص جهت تنظیم رفتار طفل بزهکار می‌باشد. قوانینی چون طرح ممنوعیت

^۱ . پاک نهاد، امیر، همان، ص ۱۴۵

چنین مدعی شد که سن تکلیف به تناسب نوع تکلیف، متفاوت است.

۸- در آیه ۶ سوره نساء، شارع مقدس بین بلوغ جسمانی و رشد، تقارن زمانی نیاورده است و این عدم تقارن زمانی، رشد را برای تصرف مال، به ذهن متبادر می کند. نظر به اینکه نسبت رشد مدنی و رشد جزایی، عموم و خصوص مطلق است. پس رشد مدنی، مستلزم رشد کیفری است ولی هررشد کیفری الزاما به معنی وجود رشد مدنی نیست.

۹- سن مسؤولیت کیفری، زمانی است که فرد از نظر جسمانی به حد بلوغ جنسی و از لحاظ عقلی و فکری، به رشد کیفری (تمیز حسن و قبح) رسیده باشد.

مطلق و منحصر به سن خاص نیست که در مواضع مختلف قرآن، به گونه‌های متفاوت تفسیر شده است. تفسیر "اشد" به معنای بلوغ و رشد فکری و عقلی صحیح‌تر به نظر می‌رسد و آنچه که در مورد تعیین سن خاص در مورد معنای اشد آمده است از باب تطبیق بر مصداق است.

۵- اختلاف روایات در باره تعیین سن رشد و اشد قرینه‌ای بر نسبیت است. شاید وجود روایات گوناگون از امامان شیعه، ریشه در ویژگی‌های جغرافیایی هر سرزمین دارد، ماهیت بلوغ شرعی، جسمی و جنسی است و سن به عنوان امری قراردادی، هیچگاه نمی‌تواند اماره‌ای برای آن باشد. بلکه سن ارائه شده در احادیث مختلف از باب طریقت است نه موضوعیت.

۶- اختلاف فتوی و روایات نیز می‌تواند موجب عروض شبهه و حاکمیت قاعده درء در حدود شود.

۷- روایات در مورد سن بلوغ، نشانگر اضطراب و تشتت آراء است. شاید بتوان در مقام جمع، میان این اخبار متعارض،

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم ۲ حدی، حسن، شکوه السادات، بنی جمالی، ۱۳۹۱، روان شناسی رشد، قم، نشر بخشایش، چاپ اول
- ۳-اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۶، حقوق جزای عمومی ۱، تهران، انتشارات میزان، چاپ هیجدهم ۴- بزادل، ژان، ۱۳۸۸، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، بی جا، چاپ چهارم
- ۵- روحانی، حسن، مهرپور، حسین، ۱۳۹۱، سن اهلیت و مسئولیت قانونی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول
- ۶- زراعت، عباس، ۱۳۸۵، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات ققنوس، جلد اول، چاپ اول
- ۷- صفایی، ۱۳۸۹، حقوق مدنی اشخاص و اموال، تهران، انتشارات میزان، جلد یازدهم
- ۸- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۷، تفسیرالمیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی، ج چهارم
- ۱۰- فیض، علی رضا، ۱۳۸۵، مقارنه و تطبیق در حقوق عمومی اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۸، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۱، قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار، جلد دوم
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۱، مسئولیت مدنی، تهران انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول چاپ یازدهم
- ۱۴- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۰، حقوق جزای عمومی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم، جلد اول
- ۱۵- لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۵۶، ترمینولوژی حقوقی، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۶، شماره ۵۱۱۱۴
- ۱۶- معین، محمد، ۱۳۷۶، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، جلد دوم، چاپ دهم

- ۱۷- مقداد، فاضل، ۱۳۹۱، کنزالعرفان فی القرآن، ترجمه عباس زراعت، کاشان، انتشارات قانونمدار، جلد ۲، چاپ اول
- ۱۸- نوربها، رضا، ۱۳۷۸، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات دادآفرین، چاپ یازدهم
- ۱۹- هاروت، اچ، ال، ای، ۱۳۸۹، سببیت در حقوق، ترجمه حسین آقایی نیا، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- ۲۰- وی مارسل، آریک، ۱۳۸۸، درسنامه طب کودکان نیلسون، ترجمه فرهاد فریدحسینی تهران، انتشارات حیان، چاپ اول





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی